

بررسی مقایسه‌ای فرایند همگونی در گونه‌های زبانی استان فارس

ماهرخ منصف^۱

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا^۲

ارسلان گلفام^۳

چکیده

مقاله حاضر به بررسی فرایند همگونی در همخوان‌های پانزده‌گونه زبانی استان فارس از جمله شیرازی، شورابی، کازرونی، دوانی، عبدویی، ممسنی، پاپونی، ریچی، بیروکانی، دادنجان، مهبودی، زاخرویه‌ای، قلاتی، لاری و خنجی در چارچوب واج‌شناسی زایشی می‌پردازد. داده‌های مورد نیاز برای انجام این تحقیق از اسناد مکتوبی چون کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌ها استخراج شده است. علاوه بر این در صورت نیاز به داده‌های بیشتر و یا تأیید صحت داده‌های جمع‌آوری شده از اسناد مکتوب، با گویشوران گونه‌های مذکور مصاحبه و گفتار آن‌ها ثبت و ضبط شده است. برخی از نتایج این تحقیق عبارت است از: ۱. در پانزده گونه زبانی مذکور، همگونی در خوشه‌های دو همخوانی /-st/ و /-nb/ نسبت به سایر خوشه‌های همخوانی از بسامد بالاتری برخوردار است؛ ۲. در این پانزده گونه زبانی، همگونی در مشخصه نحوه تولید از همگونی در سایر مشخصه‌ها همانند محل تولید و واک‌داری، پرسیامدتر است؛ ۳. در این پانزده گونه زبانی، همگونی پیشرو متداول‌تر از همگونی پس‌رو است؛ ۴. همگونی ناقص در این پانزده گونه زبانی، رایج‌تر از همگونی کامل است؛ ۵. در این گونه‌های زبانی، در همگونی همخوان با همخوان در توالی دو همخوانی، همواره همخوان رساتر غالب است؛ ۶. در همگونی همخوان با همخوان در این گونه‌های زبانی، همگونی در همخوان‌های هم‌محل تولید منجر به همگونی کامل و بروز تشدید عارضی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: گونه‌های زبانی استان فارس، واج‌شناسی زایشی، فرایندهای واجی، همگونی.

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

Email: mahrokhmonsef@gmail.com

۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: akord@modares.ac.ir

۳. دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: golfamar@modares.ac.ir

۱- مقدمه

فرایند همگونی در گویش^۱ها و لهجه^۲های ایرانی به وفور دیده می‌شود، و در هر گویش و لهجه‌ای نیز بافت مخصوص به خود را داراست. بررسی این فرایند در چند گونه^۳ زبانی و مقایسه^۴ بافت‌های متعددی که این فرایند در آن‌ها ظاهر می‌شود، توجه نگارندگان این مقاله را به خود جلب کرد. همین امر انگیزه‌ای شد تا نگارندگان به بررسی دقیق و تحلیل موشکافانه^۵ این فرایند در پانزده گونه^۶ زبانی استان فارس از جمله شیرازی، شورابی، کازرونی، دوانی، عبدویی، ممسنی، پاپونی، ریچی، بیروکانی، دادنجانی، مهبودی، زاخرویه‌ای، قلاتی، لاری و خنجی بپردازند. با توجه به این که این گونه‌های زبانی بر روی یک پیوستار زبانی قرار می‌گیرند و مشخص ساختن مرز میان آن‌ها بسیار دشوار است، طی این تحقیق از اصطلاح خنثی و عام «گونه^۷ زبانی» برای آن‌ها استفاده می‌شود. پرسش‌های مورد بحث در این تحقیق این است که اولاً چند فرایند همگونی در بین همخوان‌های این گونه‌های زبانی مشاهده می‌شود و بسامد کدامیک نسبت به سایر انواع همگونی بیش‌تر است؟ و ثانیاً کدامیک از فرایندهای همگونی مشاهده شده، در هر پانزده گونه^۸ زبانی رخ می‌دهد؟

۲- روش تحقیق

در این تحقیق، پانزده گونه^۹ زبانی از میان گونه‌های زبانی استان فارس به طور تصادفی انتخاب شده است. اگرچه انتخاب گونه‌ها به طور تصادفی صورت گرفته، اما سعی شده است تا از هر منطقه^{۱۰} استان فارس یک گونه^{۱۱} زبانی به عنوان نمونه انتخاب شود. در این تحقیق از پیکره‌های خام جمع‌آوری شده درباره^{۱۲} این گونه‌های زبانی توسط سایر محققان و یا به عبارتی از اسناد مکتوب استفاده شده است. لازم به ذکر است که داده‌های مورد نظر خام بوده و هیچ گونه کار واج‌شناختی روی آن‌ها صورت نگرفته است. در این راستا از کتاب‌ها، مقاله‌ها، واژه‌نامه‌ها، پایان‌نامه‌ها و سایر منابع مکتوبی که تاکنون در خصوص این گونه‌های زبانی نوشته شده، استفاده شده است. منبع عمده برای اکثر گونه‌ها مجموعه کتاب‌های سلامی (۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸) تحت عنوان «گنجینه^{۱۳} گویش‌شناسی فارس» بوده است. در هر مورد که داده‌ای از منبعی غیر از مجموعه کتاب‌های سلامی آورده شده، منبع آن ذکر گردیده است. در صورت نیاز به داده‌های بیش‌تر و یا تأیید صحت داده‌های جمع‌آوری شده، از روش

^۱. dialect

^۲. accent

^۳. context

میدانی برای جمع‌آوری داده‌ها نیز استفاده شده است؛ به این صورت که با سه نفر گویشور^۱ بومی در محدوده سنی ۲۵-۶۰ سال مصاحبه به عمل آمده و گفتار آن‌ها ثبت و ضبط شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها از منابع مذکور، فرایند واجی همگونی در چارچوب واج‌شناسی زایشی در قالب این داده‌ها توصیف و تحلیل شده است. روند توصیف و تحلیل بدین صورت است که ابتدا داده‌های زبانی جمع‌آوری شده از گونه‌های زبانی مورد نظر به صورت آوانویسی شده با علائم الفبای بین‌المللی آوانگاری «آی. پی. ای»^۲ ارائه و سپس با قائل شدن به چند فرضیه، داده‌ها تحلیل می‌شوند و در نهایت با تأیید یکی از این فرضیه‌ها صورت زیرساختی مشخص می‌شود. به دنبال تأیید یکی از فرضیه‌ها، قاعده‌های موجود در داده‌ها بر مبنای اصول مطرح در واج‌شناسی زایشی بیان می‌شود. در جدول داده‌های زبانی، علامت ستاره (*) نشان‌دهنده این است که برای واژه مورد نظر در آن گونه زبانی، واژه‌ای متفاوت به کار برده می‌شود و علامت منفی (-) به این معناست که واژه مورد نظر در آن گونه زبانی تحت تأثیر فرایند همگونی مورد نظر قرار ننگرفته است.

۳- پیشینه تحقیق

در ایران تاکنون پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در خصوص فرایندهای واجی نگاشته شده است. مسلماً در خصوص فرایند همگونی که یکی از فعال‌ترین انواع فرایندهای واجی در گونه‌های زبانی است نیز مطالعات بسیاری صورت گرفته است؛ به عنوان مثال:

تورساز (۱۳۷۶) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی همگونی و حذف واجی در زبان فارسی در چارچوب نظریه واج‌شناسی زایشی» سعی نموده است تا دو فرایند واجی همگونی و حذف را در چارچوب اصول مطرح در واج‌شناسی زایشی در زبان فارسی بررسی نماید. کامبوزیا (۱۳۸۱الف) در مقاله‌ای با عنوان «نمونه‌ای از همگونی در چند گویش ایرانی» به توضیح تضعیف همخوان‌های لبی غیرخیشومی و تبدیل آن‌ها به [w] پرداخته و معتقد است که این نمونه از همگونی در بسیاری از گویش‌های ایرانی دیده می‌شود. برای تأیید این گفته مثال‌هایی از گویش‌های زابلی، قاینی، قوچانی و بیرجندی ارائه شده است. کامبوزیا (۱۳۸۱ب) در مقاله‌ای با عنوان «فرایندهای واجی مشترک در گویش‌های استان کرمان» چند فرایند واجی همانند تضعیف و حذف را در چهار گویش «کرمانی»، «سیرجانی»، «بردسیری» و «زرنندی» مورد بررسی قرار داده است.

^۱.informant

^۲.International phonetic alphabet (IPA)

مالم‌کی‌یر^۱ (۲۰۰۲: ۲۲۷) 'فرایندهای واجی را مکانیسم‌هایی می‌داند که طی آن‌ها تغییرات آوایی رخ می‌دهد. این تغییرات شامل تغییر در مشخصه‌های یک آوا، حذف، اضافه و یا حرکت یک جزء آوایی می‌شود.' یکی از متداول‌ترین انواع فرایندهای واجی در زبان فرایند همگونی است. همگونی دو جزء آوایی زمانی رخ می‌دهد که یکی از این دو جزء آوایی در یک یا چند مشخصه با جزء آوایی مجاور همگون شود^۲ (آدن^۳، ۲۰۰۵: ۲۲۸). فرایند همگونی را می‌توان از لحاظ پیوستگی به همگونی پیوسته^۴ و ناپیوسته^۵، از لحاظ جهت به همگونی پیش‌رو^۶، پس‌رو^۷ و دوسویه^۸ و از حیث درجه شباهت به همگونی کامل^۹ و ناقص^{۱۰} تقسیم‌بندی نمود. هر یک از این انواع همگونی می‌تواند همگونی همخوان با همخوان، همگونی همخوان با واکه، همگونی واکه با واکه یا هماهنگی واکه‌ای و همگونی واکه با همخوان باشد. کریستال^{۱۱} (۲۰۰۸: ۴۰) در تعریف از همگونی پیوسته و ناپیوسته می‌نویسد: 'همگونی یک آوا با آوای مجاور، همگونی پیوسته و همگونی آوایی با آوای غیر مجاور، ناپیوسته نامیده می‌شود. در عبارت turn up trumps می‌توان نمونه‌ای از همگونی ناپیوسته را مشاهده کرد. این نوع همگونی زمانی رخ می‌دهد که همخوان /n- / در پایان واژه‌ی turn در اثر همگونی با آوای بعدی به صورت /-m- / تلفظ شود. همگونی از لحاظ جهت به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) همگونی پس‌رو: کریستال (۲۰۰۸: ۴۰) زمانی همگونی را پس‌رو می‌داند که تغییر یک آوا تحت تأثیر آوای پس از آن باشد؛ به عنوان مثال در واژه ten bikes که به صورت [tem baɪks] تلفظ می‌شود، همگونی /n/ با /b/ نمونه‌ای از همگونی پس‌رو است.

^۱. Malmkjar

^۲. Odden

^۳ Contiguous or contact assimilation

^۴. non- contiguous or distance assimilation

^۵. progressive assimilation

^۶. regressive assimilation

^۷. reciprocal coalescent assimilation

^۸. complete assimilation

^۹. partial assimilation

^{۱۰}. Crystal

ب) همگونی پیش‌رو: کریستال (۲۰۰۸: ۴۰) بر این باور است که همگونی زمانی پیش‌رو است که آوایی تحت تأثیر آوای پیش از خود تغییر می‌کند. مثلاً در عبارت /s/, /lunch score/ در آغاز واژه score با /tʃ/ قبل از خود همگون شده و به صورت /ʃ/ تلفظ می‌گردد.

ج) همگونی دوسویه: (کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۷۰) همگونی دوسویه را این گونه تعریف می‌کند: «در این نوع همگونی دو واج مجاور روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند.»؛ به عنوان مثال:
"don't you" /dɒnt ju/ → [dɒntʃu]

در این مثال t و z در هم ادغام شده و انسایشی ʃ تولید شده است. (کریستال، ۲۰۰۸: ۴۰). همگونی را از لحاظ درجه شباهت می‌توان به همگونی کامل و همگونی ناقص تقسیم‌بندی کرد. «گاهی آوایی ممکن است یک و یا دو مشخصه آوایی خود را از دست بدهد و یا یک یا دو مشخصه آوایی آوای مجاور را بپذیرد و در نتیجه با تغییر آوایی خاصی ظاهر شود. به این پدیده آوایی که طی آن تنها یک و یا دو مشخصه یک آوا شبیه آوای مجاور می‌گردد، همگونی ناقص گفته می‌شود. گاهی آوایی کاملاً شبیه آوای مجاور ظاهر می‌گردد. به این پدیده همگونی کامل گفته می‌شود» (مشکوٰۃ‌الدینی: ۱۳۷۴: ۱۳۱-۱۳۲).

۴- ارائه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت، پنج فرایند همگونی در میان همخوان‌های پانزده گونه زبانی مورد مطالعه در این تحقیق ارائه و بررسی می‌شود. در این مقاله صورت فارسی معیار ضرورتاً زیرساخت سایر گونه‌ها و لهجه‌ها در نظر گرفته نشده، بلکه حضور آن شاهدهی برای شناسایی واژه برای کسانی است که با لهجه‌ها و گویش‌های مختلف فارسی آشنایی ندارند. از طرفی، در مواردی که صورت زیرساختی قابل شناسایی نبوده، معادل واژه در فرهنگ زبان پهلوی بازنگری شده است تا بتوان به زیرساخت اولیه واژه دست یافت. بر اساس این، هرکدام از گونه‌های فارسی معیار یا سایر لهجه‌ها که به زبان پهلوی نزدیک‌تر بوده‌اند به عنوان صورت زیرساختی پذیرفته شده‌اند. فرضیه‌سازی‌های به کاررفته در هر فرایند نیز نشان می‌دهد که برای دستیابی به صورت زیرساختی از استدلال‌های واج‌شناختی متداول در نظریه زایشی استفاده شده است.

۴-۱- تبدیل توالی /-nb/ به توالی [-mb] در ۱۵ گونه زبانی

در گونه‌های زبانی بررسی شده در این تحقیق همانند زبان فارسی معیار، هرگاه همخوان خیشومی و تیغه‌ای /n/ در جایگاه پیش از همخوان دولبی [b] قرار بگیرد، در مشخصه جایگاه تولید با آن همگون شده و به صورت همخوان خیشومی دولبی [m] تلفظ می‌شود.

جدول ۱- تبدیل توالی /-nb/ به [-mb]

فارسی معیار	شنبه	انبار	تنباکو	جنبدن	سنبل‌الطیب
زیرساخت گونه‌ها	ʃanbe	ambɑr	tanbɑku	dʒɔnbidan	sonboltib
شیرازی	ʃambed	ʔambɑr	tambɑku	dʒɔmbidan	somboltip
شورابی	ʃambe	ʔambɑri	tambaku	*	somboltif
کازرونی	ʃambed	ʔambɑri	tambeku	dʒɔmbidan	somboltip
دوانی	ʃambeð	ʔambɑr	tambɑ:ku	*	somboltip
عبدویی	ʃambe	ʔambɑr	tambaku	dʒɔmidan	somboltif
ممسنی	ʃambe	ʔambɑr	tambaku`	dʒɔmbidan [˘]	somboltip
پاپونی	ʃambeð	ʔambɑri	tambaku	*	somboltip
ریچی	ʃambe	ʔambɑri	tambɑku	dʒɔmiðn	somboltif
بیژکانی	ʃambeð	ʔambɑri	tambeku	dʒɔmeðan	somboltip
دادنجانی	ʃambeð	ʔambɑr	tambaku	dʒɔmeðan	somboltip
مهبودی	ʃambeð	ʔambɑr	tambaku	dʒɔmessan	somboltif
زاخرویه‌ای	ʃamme(ð)	ʔammɑr	tammɑku	dʒɔmmiðan	sommoltip
قلاتی	ʃambe	ʔambɑr	tombɑk	*	somboltip
لاری	ʃambe	ʔambɑr	tombɑk	*	somboltip
خنجی	ʃambe	ʔombɑr	tombɑk	*	somboltip

بررسی داده‌های جدول (۱) یک تناوب واجی را میان دو همخوان [n] ~ [m] نشان می‌دهد. برای تعیین صورت زیرساختی دو فرضیه زیر را در نظر می‌گیریم:

۱. همتی، ۱۳۷۰: ۷۱

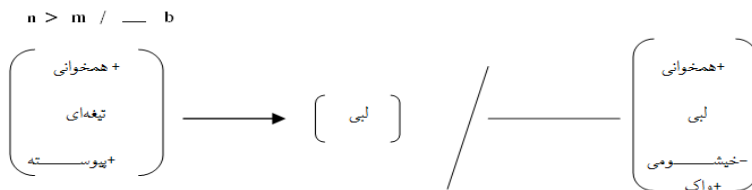
۲. همتی، ۱۳۷۰: ۷۶

فرضیه اول: همخوان /m/ صورت زیرساختی است، بنابراین به قاعده‌ای نیازمندیم تا این همخوان خیشومی و لبی را در مجاورت همخوان دولبی [b] به همخوان تیغه‌ای [n] تبدیل کند.

فرضیه دوم: همخوان /n/ صورت زیرساختی است و قاعده‌ای نیاز است تا این همخوان خیشومی و تیغه‌ای را در مجاورت همخوان [b] به همخوان [m] تبدیل کند.

فرضیه اول مورد تأیید نیست، زیرا تبدیل /m/ به [n] در مجاورت [b] یک فرایند واج‌شناختی طبیعی نیست و در گونه‌های زبانی مورد مطالعه، مثال‌های متناقضی در مورد این فرایند وجود دارد. به عنوان نمونه در واژه‌های «بمب» [bomb] و «سُم» که در پانزده گونه زبانی به صورت [somb] و یا [som] تلفظ می‌شود، همخوان لبی [m] در مجاورت همخوان [b] به همخوان تیغه‌ای [n] تبدیل نشده است. فرضیه دوم نشان‌دهنده یک فرایند واج‌شناختی طبیعی یعنی فرایند همگونی است، بنابراین طبق معیار «طبیعی بودن واج‌شناختی»^۱ مورد تأیید است. نمونه‌های این فرایند در بسیاری از گویش‌های ایران از جمله در گویش سبزوار (بروغنی، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۸) و گویش اقلیدی (شریفی، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۴) نیز مشاهده شده است. با تأیید فرضیه دوم می‌توان گفت که این همگونی نوعی همگونی ناقص و پس‌رو در مشخصه جایگاه تولید [+لبی] است. به این دلیل، همگونی ناقص است که همگونی تنها در مشخصه جایگاه تولید صورت گرفته و از نوع پس‌رو است؛ چرا که مشخصه جایگاه تولید [لبی] از همخوان [b] به همخوان خیشومی پیش از آن گسترده می‌شود. در واقع جهت خطی دگرگونی از یک واج به واج پیش از آن است. قاعده این همگونی را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

قاعده ۱:



قاعده (۱) نشان می‌دهد که همخوان خیشومی و تیغه‌ای /n/ در بافت پیش از همخوان دولبی [b] به همخوان خیشومی و دولبی [m] تبدیل می‌شود، یا به عبارتی می‌توان گفت که همخوان خیشومی و تیغه‌ای /n/ در مشخصه جایگاه تولید [لبی] با همخوان بعد از خود همگون می‌شود.

^۱ phonological naturalness

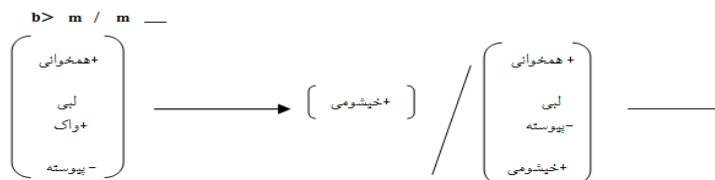
۴-۲- تبدیل صورت اشتقاقی /-nb/ به توالی [-mm] در گونه زاخرویه‌ای

جدول ۲- تبدیل توالی /-nb/ به توالی [-mm] در گونه زاخرویه‌ای

فارسی معیار	شنبه	انبار	تنباکو	جنبیدن	سنبل الطیب
زیرساخت گونه‌ها	ʃanbe	anbɑr	tanbɑku	dʒɔnbidan	sonboltib
زاخرویه‌ای	ʃamme(ð)	ʔammɑr	tammɑku	dʒɔmmiðan	sommoltip

در گونه زاخرویه‌ای علاوه بر قاعده همگونی (۱) قاعده دیگری نیز عمل کرده است. در این گونه ابتدا خوشه همخوانی /-nb/ به صورت اشتقاقی /-mb/ تبدیل شده و پس از آن صورت اشتقاقی /-mb/ به خوشه همخوانی [-mm] تبدیل می‌شود. بنابراین ابتدا طبق قاعده (۱) طی فرایند همگونی پس‌رو، همخوان تیغه‌ای /n/ در مشخصه [لبی] با همخوان [b] پس از خود همگون شده و سپس همخوان لبی /b/ طی یک فرایند همگونی پیش‌رو با همخوان خیشومی پیش از خود در مشخصه [+ خیشومی] همگون شده و به همخوان لبی و خیشومی [m] تبدیل می‌شود. دو همخوان [b] و [m] دارای مشخصه مشترک [لبی] هستند، بنابراین جایگاه تولید آن‌ها یکی است. عملکرد قاعده (۲) نحوه تولید همخوان انسدادی /b/ را به نحوه تولید خیشومی [m] تغییر داده، بنابراین دو همخوان [b] و [m] در مشخصه نحوه تولید خیشومی همگون می‌شوند. در این صورت تنها مشخصه متمایز کننده این دو همخوان از بین رفته و دو همخوان کاملاً همگون می‌شوند. در نتیجه این امر واژه‌هایی چون [pamme], [ʃamme(ð)]، و غیره تولید می‌شود. این مورد نمونه‌ای از همگونی کامل و پیش‌رو در مشخصه نحوه تولید [+ خیشومی] است. در این مثال‌ها توالی همخوان‌های یکسان [mm] از خوشه همخوانی /-nb/ تولید می‌شود. در ادامه، قاعده این فرایند نشان داده می‌شود:

قاعده ۲:



¹.consonantal cluster

طبق قاعدهٔ (۲) همخوان انسدادی، دولبی و واک‌دار /b/ در بافت پس از همخوان خیشومی و دولبی [m] در مشخصهٔ [+خیشومی] با آن همگون شده و به همخوان [m] تبدیل می‌شود. کتفورد (۲۰۰۱: ۱۰۶-۱۰۷) بر این باور است که 'توالی دو همخوان یکسان و یا تقریباً یکسان' (تشدید^۲) و یا 'توالی مشدد^۳' نامیده می‌شود. وی هم‌چنین بیان می‌دارد که تشدید واقعی^۴ به مواردی اطلاق می‌شود که دو آوای مورد نظر در مرز کلمه و یا در مرز تکواژ واقع نشده باشند؛ به عبارت دیگر در مرز دو واژه به عنوان مثال توالی [kk] در پاره گفتار book case و یا توالی [dd] در واژهٔ bad dog یا در مرز دو تکواژ (به عنوان مثال توالی [nn] در واژهٔ un-known) تشدید واقعی نداریم.^۵ با این تفاسیر باید گفت که تشدید واقعی همیشه در درون یک تکواژ و در مرز دو هجا رخ می‌دهد.

علاوه بر تشدید واقعی، در برخی موارد با تشدید عارضی^۶ روبه‌رو هستیم. کامبوزیا در تعریف تشدید عارضی می‌نویسد: «گاهی تشدید در زبان عربی در محل اتصال دو تکواژ یا بین دو کلمهٔ مستقل به وجود می‌آید که به آن تشدید عارضی می‌گویند. در این نوع تشدید یا هر دو همخوان در ابتدا یکی هستند، مانند «کم من» و یا این که در اثر همگونی کامل این نوع تشدید به وجود می‌آید» (کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۳۳۴). تشدید موجود در داده‌های زاخرویه‌ای حاصل عملکرد همگونی کامل است، بنابراین تشدید در این داده‌ها تشدید عارضی است. در این داده‌ها تشدید در مرز دو هجا رخ می‌دهد، جایی که هجای اول به همخوان خیشومی [n] ختم شده و هجای دوم با همخوان انسدادی [b] شروع می‌شود. با توجه به قاعده‌های (۱) و (۲) اشتقاق واژهٔ «شنبه» که به صورت [ʃamme] تولید می‌شود، به صورت زیر نشان داده می‌شود:

بازنمایی ۱- اشتقاق واژهٔ «شنبه» در گونهٔ زاخرویه‌ای از زیرساخت تا روساخت

بازنمایی واجی (زیرساختی) / #ʃan.be #/

همگونی پس‌رو (محل تولید، قاعدهٔ ۴-۳) ʃambe(ð)

همگونی پیش‌رو (نحوه‌ی تولید، قاعدهٔ ۴-۴) ʃamme

بازنمایی آوایی (روساختی) [ʃamme(ð)]

^۱. Catford

^۲. geminate

^۳. geminate sequence

^۴. true gemination

^۵. fake or apparent gemination

با توجه به بازنمایی‌های فوق می‌توان گفت که در داده‌های گونه‌زاخرویه‌ای با عملکرد همگونی پس‌رو زمینه برای عملکرد همگونی پیش‌رو فراهم شده و همگونی پیش‌رو عمل می‌کند. در این صورت بین این دو قاعده رابطه‌ی زمینه‌افزا^۱ برقرار است. در سایر گونه‌ها تنها قاعده‌ی اول یعنی همگونی پس‌رو عمل کرده و زمینه را برای عملکرد قاعده‌ی دوم فراهم می‌کند، اما قاعده‌ی دوم یعنی همگونی کامل در نحوه‌ی تولید عمل نمی‌کند.

۳-۴- تبدیل توالی /-st/ به توالی /-ss/ در پانزده گونه‌ی زبانی

در گونه‌های زبانی استان فارس هرگاه همخوان انسدادی /t/ در مرز دو هجا یا تکواژ پس از همخوان سایشی [s] قرار بگیرد، مشخصه‌ی انسدادی خود را از دست داده و به جای آن مشخصه‌ی سایشی را از همخوان قبل از خود یعنی [s] دریافت می‌کند. به این صورت همخوان /t/ در مشخصه‌ی نحوه‌ی تولید با همخوان سایشی [s] همگون می‌شود. این فرایند نوعی همگونی کامل است که منجر به تشدید عارضی می‌شود.

جدول ۳- تبدیل /t/ به [s] در خوشه‌ی همخوانی /-st/ در مرز دو هجا یا تکواژ^۲

فارسی معیار	استخوان	دسته (هاون)	خسته	گورستان	استوخدوس ^۳
زیرساخت گونه‌ها	ostoχɑn	daste	χaste	gurestɑn	ostoχɑdus
شیرازی	ʔossoγun	dasse	χasse	Gabressun	ʔossoGudus
شورابی	*	*	χa:sa	mazɑressun	ʔossɑGoðus
کازرونی	ʔossoγun	dasse	χasse	-	-
دوانی	*	dasse	χassa	guressu	ʔossoGoðus
عبدویی	*	-	χasse	guressun	-
ممسنی	*	dassa	-	Gabressun	-
پاپونی	ʔassa(γun)	dassa	χassa	Gabressun	-
ریچی	ʔosseγun	-	χassa	Gabressun	ʔossoGoðus
بیژوکانی	ʔassaγun	-	χasse	Gabressun	-
دادنجانی	ʔossaγun	dassa	χasse	Gabressun	-

^۱. feeding

^۲. این فرایند در درون یک تکواژ و یا در درون دو تکواژ به یک صورت عمل می‌کند.

^۳. استوخدوس نوعی گیاه است که به عنوان دارو استفاده می‌شود.

ʔossɑGoðus	Gabressun	χassa	dassa	*	مهبودی
ʔossɑGoðus	guressɑn	χasse	dasse	*	زاخرویه‌ای
-	-	χassa	-	*	قلاتی
ʔossɑGoðus	Gabressu	χassa	dassa	ʔossoʔun	لاری
ʔossɑkodus	ge:ressu	χassa	dassa	ʔossaχun	خنجی

بررسی داده‌های جدول (۳) یک تناوب واجی را میان [t] ~ [s] نشان می‌دهد. برای مشخص شدن صورت زیرساختی دو فرضیه زیر را در نظر می‌گیریم:

فرضیه اول: همخوان /s/ صورت زیرساختی است؛ به عبارتی در زیرساخت خوشه همخوانی /-ss/ وجود دارد و عضو دوم این خوشه همخوانی طی یک قاعده به همخوان انسدادی [t] تبدیل می‌شود.

فرضیه دوم: همخوان /t/ صورت زیرساختی است؛ به عبارتی در زیرساخت خوشه همخوانی /-st/ وجود دارد و طی یک قاعده عضو دوم این خوشه همخوانی به همخوان پیوسته [s] تبدیل می‌شود. اکنون باید مشخص شود که کدام یک از این دو فرضیه درست بوده و کدام یک از واج‌ها صورت زیرساختی است و به دیگری تبدیل می‌شود. برای مشخص شدن این امر داده‌های بیشتری را بررسی می‌کنیم. در جدول (۴) داده‌هایی آورده شده که در آن‌ها خوشه /-st/ در جایگاه پایان واژه قرار دارد و در داده‌های جدول (۶) خوشه /-st/ در جایگاه قبل از واکه قرار دارد. داده‌های جدول (۵) با اضافه نمودن پسوند مصدری /-a/ در گونه قلاتی و لاری، پسوند مصدری /-o/ در گونه خنجی و پسوند مصدری /-an/ در سایر گونه‌ها به داده‌های (۴) به دست آمده‌اند.

جدول ۴- خوشه /-st/ در جایگاه پایان واژه

فارسی معیار	دست	بست	نشست	شکست
زیرساخت گونه‌ها	dast	bast	nefast	ʃekast
شیرازی	das	bas	nefes	*
شورابی	das	ʔeʃ bas	ʃa:s	*
کازرونی	das	bas	*	*
دوانی	das	ʔoʃ bas	*	ʔeʃka
عبدویی	das	besti	Nest	ʔeʃka:
ممسنی	das	ba:s	nefas	ʃecas
پاپونی	das	ʔeʃ bas	nefas	ʔeʃcas

ʔeʃca:s	neʃes	bas	das	ریچی
*	neʃes	ʔeʃ bas	das	بیژوکانی
ʔeʃcas	ʃa:s	ʔeʃ bas	das	دادنجانی
ʔeʃcas	ʃa:s	ʔeʃ bas	das	مهبودی
*	neʃas	bas	das	زاخرویه‌ای
ʔeʃkejest	ʃa	ʔoʃ bast	dast	قلاتی
ʔoʃʔeʃka	ʃe	ʔoʃ bas	das	لاری
ʔeʃkehes	ʃa	ʃa bas	das	خنجی

جدول ۵- خوشه /-st/ در جایگاه قبل از واک

شکستن	نشستن	بستن	دسته	فارسی معیار
ʃekastan	neʃastan	bastan	daste	زیرساخت گونه‌ها
*	neʃessan	bassan	dasse	شیرازی
*	ʃa:san	bassan	*	شورابی
-	*	bassan	dasse	کازرونی
ʔeʃka:san	*	bassan	dasse	دوانی
ʔeʃkastan	neʃastan	-	-	عبدویی
*	neʃassan	ba:san	dassa	ممسنی
ʔeʃkessan	neʃassan	bassan	dassa	پاپونی
ʔeʃca:san	neʃessan	-	-	ریچی
*	neʃessan	bssan	-	بیژوکانی
ʔeʃcassan	ʃa:san	bassan	dassa	دادنجانی
ʔeʃcassan	ʃa:seʔan	bassan	dassa	مهبودی
*	neʃassan	bassan	dasse	زاخرویه‌ای
ʔeʃkasta	ʃasta	-	-	قلاتی
ʔeʃkassa	ʃessa	bassa	dassa	لاری
ʔeʃkehesso	ʃasso	vɑ basso	dassa	خنجی

در داده‌های جدول (۴) می‌توان مشاهده کرد که در گونه‌های مورد مطالعه، همخوان /t/ در پایان واژه /dast/ و یا در پایان صورت‌های سوم شخص مفرد افعال حذف شده است. همخوان [t] پسوند گذشته‌ساز است که در سوم شخص مفرد فعل حذف می‌شود، اما با توجه به داده‌های (۵) در بافت پیش از واکه ظاهر می‌گردد. زمانی که همخوان انسدادی /t/ در جایگاه پیش از واکه ظاهر می‌گردد، در برخی از گونه‌های مورد مطالعه با همخوان پیش از خود؛ یعنی [s] در مشخصه نحوه تولید [+ پیوسته] همگون می‌شود. در این صورت تنها تمایز این دو همخوان از بین رفته و همگونی کامل رخ می‌دهد. این داده‌ها دلیلی بر تأیید فرضیه دوم و رد فرضیه اول هستند. علاوه بر این روچ^۱ (۲۰۰۰: ۱۴۰) می‌نویسد: در همگونی نحوه تولید، همواره تمایل به سمت همخوان آسان‌تر به لحاظ تولیدی است؛ همخوانی که کم‌ترین بست را در مسیر جریان هوا ایجاد کند. بنابراین احتمال تبدیل همخوان [- پیوسته] به همخوان [+ پیوسته] همواره بیشتر از عکس آن است. عمدتاً فرایند همگونی به دلیل سهولت در تلفظ و اصل کم‌کوشی صورت می‌گیرد، بنابراین با توجه به این که تولید سایشی‌ها از انسدادی‌ها راحت‌تر است، فرضیه دوم یعنی زیرساختی بودن همخوان انسدادی /t/ و تبدیل آن به همخوان پیوسته‌ی [s] در توالی /-st/ تأیید می‌شود. این همگونی از نوع کامل، پیش‌رو و در مشخصه نحوه تولید است که در نتیجه آن تشدید عارضی حاصل می‌شود. قاعده این فرایند را می‌توان به صورت زیر نوشت:

قاعده ۳:

$$t > s / s _ _ v$$

$$\begin{pmatrix} +\text{همخوانی} \\ -\text{پیوسته} \\ \text{تیغه‌ای} \\ -\text{واک} \end{pmatrix} \rightarrow \begin{pmatrix} -\text{پیوسته} \end{pmatrix} / \begin{pmatrix} +\text{همخوانی} \\ -\text{پیوسته} \\ \text{تیغه‌ای} \\ -\text{واک} \end{pmatrix} \rightarrow \begin{pmatrix} -\text{همخوانی} \end{pmatrix}$$

این قاعده نشان می‌دهد که همخوان انسدادی /t/ در بافت پیش از واکه و پس از همخوان سایشی هم محل تولید خود؛ یعنی همخوان [s] در مشخصه [+ پیوسته] با آن همگون شده و به همخوان پیوسته [s] تبدیل می‌شود. این فرایند هم در مرز دو هجا و هم در مرز تکواژ به صورت پیش‌رو عمل می‌کند.

^۱.Roach

^۲.homorganic

۴-۴- تبدیل توالی /-nd/ به [-nn] در گونه زاخرویه‌ای

در گونه زاخرویه‌ای هر گاه همخوان انسدادی /d/ در مرز دو هجا و یا در مرز تکواژ پس از همخوان خیشومی [n] قرار بگیرد، فرایند همگونی رخ می‌دهد. در این صورت همخوان /d/ در مشخصه [+خیشومی] با همخوان [n] همگون می‌شود. این همگونی از نوع کامل و در مشخصه نحوه تولید [+خیشومی] است. این فرایند همگونی در سایر گونه‌های مورد بررسی این تحقیق رخ نمی‌دهد.

جدول ۶- تبدیل توالی /-nd/ به [-nn] در درون تکواژ و در مرز دو هجا

فارسی معیار	رنده	گندم	دندان	صندوق	وامانده	برنده
زیرساخت گونه‌ها	Rande	gandom	dandun	sanduG	vamānde	barande
زاخرویه‌ای	Ranne	gannom	dannān	sannok	vāmonne	baranne

جدول ۷- تبدیل توالی /-nd/ به [-nn] در مرز تکواژ

فارسی معیار	ترساندن	چراندن	خواندن	سوزاندن	راندن
زیرساخت گونه‌ها	tarsāndan	tʃarāndan	χāndan	suzāndan	rāndan
زاخرویه‌ای	tarsonnan	tʃaronnan	χonnan	suzonnan	ronnan

داده‌های (۶) تبدیل /d/ به [n] در توالی /-nd/ را در درون تکواژ و در مرز دو هجا نشان می‌دهند، در حالی که داده‌های (۷) این فرایند را در مرز تکواژ (پیش از تکواژ مصدری /-an/) نشان می‌دهند. در داده‌های دو جدول فوق یک تناوب واجی میان [n] ~ [d] دیده می‌شود. برای تعیین صورت زیرساختی می‌توان به دو فرضیه زیر قائل شد:

فرضیه اول: همخوان /n/ صورت زیرساختی است؛ به عبارتی در زیرساخت خوشه همخوانی /-nn/ وجود دارد و عضو دوم این خوشه همخوانی طی یک قاعده به همخوان انسدادی [d] تبدیل می‌شود. بنابراین به قاعده اینیازمندیم تا بتواند همخوان خیشومی [n] را در بافت پیش از یک همخوان در مرز هجا و یا تکواژ به همخوان انسدادی [d] تبدیل کند.

فرضیه دوم: همخوان /d/ صورت زیرساختی است؛ به عبارتی در زیرساخت خوشه همخوانی /-nd/ وجود دارد و عضو دوم این خوشه همخوانی طی یک قاعده به همخوان خیشومی [n] تبدیل

می‌شود. بنابراین به قاعده‌ای نیازمندیم تا بتواند همخوان انسدادی و تیغه‌ای /d/ را در بافت پیش از واکه در مرز هجا و یا در مرز تکواژ به همخوان خیشومی و تیغه‌ای [n] تبدیل کند.

به لحاظ تولیدی، تولید آواهای [+خیشومی] آسان‌تر از تولید آواهای [-خیشومی] است، زیرا میزان رسایی خیشومی‌ها بیش‌تر از همخوان‌های غیرخیشومی است؛ به عبارتی احتمال تبدیل /d/ به [n] بیش‌تر از عکس آن است. بنابراین با توجه به این که تولید خیشومی‌ها آسان‌تر از تولید غیرخیشومی‌ها است و با عنایت به اصل کم‌کوشی و سهولت در تلفظ می‌توان گفت که صورت زیرساختی همخوان /d/ بوده و فرضیهٔ دوم تأیید می‌شود، چرا که قاعدهٔ اول نوعی فرایند ناهمگونی و قاعدهٔ دوم نوعی فرایند همگونی است. فرایند همگونی یک فرایند زبان‌شناختی طبیعی است که در بسیاری از زبان‌های دنیا رخ می‌دهد. هریس و لیندسی (۱۹۹۵: ۶۸) نیز بر این باورند که تیغه‌ای‌ها بیش از سایر طبقات مستعد همگونی هستند و هماهنگی همخوانی تنها بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این در تأیید فرضیهٔ دوم می‌توان گفت که در گونهٔ زاخرویه‌ای همان‌طور که در مثال‌های جدول (۸) مشخص است، همخوان انسدادی /d/ از خوشهٔ /-nd/ و یا /-md/ پایان کلمه حذف می‌شود؛ یعنی در بافتی که پس از آن واکه وجود نداشته باشد، همخوان /d/ زیرساختی ظاهر نمی‌گردد.

جدول ۸- حذف همخوان /d/ در توالی همخوانی /-nd/ و /-md/ پایان کلمه

فارسی معیار	چند	بند (طناب)	بخند	خواند
واج‌نویسی معیار	tʃand	Band	beχand	χand
زاخرویه‌ای	tʃan	Ban	beχan	χon

در داده‌های جدول (۸) خوشهٔ پایانی /-nd/ در صورت آوایی ظاهر نمی‌شود و توالی /-nd/ با حذف همخوان پایانی /d/ ساده می‌گردد. حذف همخوان /d/ در داده‌های فوق در خوشهٔ همخوانی /-nd/ پایان کلمه نشان می‌دهد که توالی این دو همخوان در این گونهٔ زبانی یک توالی طبیعی به حساب نمی‌آید و عموماً در بازنمایی واجی دیده می‌شود. با این حال اگر پس از خوشهٔ همخوانی /-nd/ یک واکه قرار بگیرد، همخوان d تلفظ می‌شود، چرا که در این صورت هر یک از همخوان‌های n و d به هجای متفاوتی متعلق هستند. در داده‌های (۹) می‌توان مشاهده کرد که اگر به آخر داده‌های جدول (۸) یک واکه اضافه شود، همخوان /d/ زیرساختی ظاهر شده و با همخوان خیشومی پیش از خود همگون

¹.Harris, J. & Lindsey, G

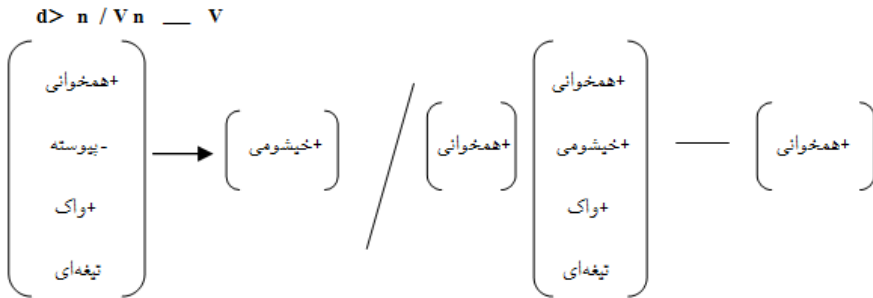
می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که در گفتار عادی تمایل برای تولید توالی [nn]-بیش از تولید توالی [-nd] است.

جدول ۹- آشکار شدن /d/ زیرساختی در توالی /-nd/ پیش از واکه

فارسی معیار	چنده	بند شلوار	خندید	خواندن
زیرساخت گونه‌ها	tʃande	bande ʃalvɑr	χandid	χɑndɑn
زاخرویه‌ای	tʃanne	banne mɑk	χannið	χɑnnɑn

با تأیید فرضیه دوم و پذیرش همخوان /d/ به عنوان صورت زیرساختی، این فرایند همگونی را به صورت قاعده زیر نشان می‌دهیم:

قاعده ۴:



قاعده (۴) به این معناست که همخوان انسدادی /d/ در محیط بین دو واکه با همخوان خیشومی پیش از خود در مشخصه [+ خیشومی] همگون شده و به همخوان [n] تبدیل می‌شود. این فرایند هم در مرز دو هجا و هم در مرز تکواژ دیده می‌شود. با اعمال این فرایند همگونی پیش‌رو، خوشه همخوانی /-nd/ به خوشه همخوانی /-nm/ تبدیل می‌شود. این همگونی که از نوع کامل و در مشخصه نحوه تولید است، منجر به تشدید عارضی و تولید توالی مشدد /-nm/ می‌شود.

۴-۵- تبدیل توالی /-zd/ به توالی [-zz] در پانزده گونه زبانی

در پانزده گونه زبانی مورد مطالعه همخوان انسدادی و واکه دار /d/ در خوشه همخوانی /-zd/ در مرز هجا به همخوان پیوسته [z] تبدیل می‌شود. این فرایند نوعی همگونی کامل است که به تشدید عارضی می‌انجامد.

جدول ۱۰- تبدیل توالی همخوانی /zd-/ به توالی [-zz]

سیزده	دوازده	یازده	فارسی معیار
sizdah	davɑzdah	jɑzdah	زیرساخت گونه‌ها
sizza	duvazza	jazza	شیرازی
sizza	duvɑzza	jɑzza	شورابی
sizze	-	jɑzze	کازرونی
se:za	dovozza	jɑzza	دوانی
sizza	davozza	jɑzza	عبدویی
si:za	-	jɑzza	ممسنی
sizza	-	jɑzza	پاپونی
sizza	-	jazza	ریچی
sizza	duvozza	jɑzza	بیژوکانی
sizza	duvɑzza	jɑzza	دادنجانی
sizza	davozza	jɑzza	مهبودی
sizza	duvɑzza	jɑzza	زاخروه‌ای
sizza	davɑzza	jɑzza	قلاتی
si:za	doʔɑ:za	jɑ:za	لاری
sizza	davɑzza	jɑzza	خنجی

بررسی داده‌های جدول (۱۰) یک تناوب واجی میان [z] - [d] دیده می‌شود. برای مشخص شدن صورت زیرساختی دو فرضیه زیر را در نظر می‌گیریم:

فرضیه اول: همخوان /z/ صورت زیرساختی است؛ به عبارتی در زیرساخت خوشه همخوانی - /zz/ وجود دارد و عضو دوم این خوشه همخوانی طی یک قاعده به همخوان انسدادی [d] تبدیل می‌شود.

فرضیه دوم: همخوان /d/ صورت زیرساختی است؛ به عبارتی در زیرساخت خوشه همخوانی - /zd/ وجود دارد و طی یک قاعده عضو دوم این خوشه همخوانی به همخوان پیوسته [z] تبدیل می‌شود.

به لحاظ تولیدی، تولید سایشی‌ها (در این مورد تولید z) راحت‌تر از تولید آواهای انسدادی (در این مورد تولید d) است، زیرا میزان رسایی سایشی‌ها بیش‌تر از همخوان‌های انسدادی است؛ به عبارتی احتمال تبدیل d به z بیش‌تر از عکس آن است. بنابراین با توجه به این که تولید سایشی‌ها آسان‌تر از تولید انسدادی‌ها است و با عنایت به اصل کم‌کوشی و سهولت در تلفظ و همچنین با توجه به معیار «پذیرفتگی آوایی» می‌توان گفت که صورت زیرساختی همخوان /d/ بوده و فرضیه دوم مورد تأیید است، چرا که قاعده اول نوعی فرایند ناهمگونی و قاعده دوم نوعی فرایند همگونی است و احتمال اعمال فرایند همگونی در گفتار بسیار بیش‌تر از فرایند ناهمگونی است. این فرایند را می‌توان به صورت قاعده (۵) نشان داد:

قاعده ۵:

$$d > z / z _ _ v$$

$$\begin{pmatrix} +\text{همخوانی} \\ -\text{پیوسته} \\ \text{تیغه‌ای} \\ +\text{واک} \end{pmatrix} \rightarrow \begin{pmatrix} +\text{پیوسته} \end{pmatrix} \quad / \quad \begin{pmatrix} +\text{همخوانی} \\ +\text{پیوسته} \\ \text{تیغه‌ای} \\ +\text{واک} \end{pmatrix} \rightarrow \begin{pmatrix} -\text{همخوانی} \end{pmatrix}$$

قاعده (۵) نشان می‌دهد که همخوان انسدادی تیغه‌ای و واک‌دار /d/ در محیط پس از همخوان هم‌محل تولید خود یعنی [z] در مرز هجا و پیش از واکه با آن کاملاً همگون می‌شود. عملکرد این قاعده، نحوه تولید همخوان انسدادی /d/ را به نحوه تولید سایشی تغییر داده، بنابراین دو همخوان [d] و [z] در مشخصه نحوه تولید سایشی همگون می‌شوند. در این صورت تنها مشخصه متمایز کننده این دو همخوان از بین رفته و دو همخوان کاملاً همگون می‌شوند. این مورد نمونه‌ای از همگونی کامل و پیش‌رو است که منجر به تشدید عارضی و تولید توالی مشدد [-zz] می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

پرسش‌های مورد بحث در این تحقیق این است که اولاً چند فرایند همگونی در بین همخوان‌های این گونه‌های زبانی مشاهده می‌شود و بسامد کدام‌یک نسبت به سایر انواع همگونی بیش‌تر است؟ و ثانیاً کدام یک از فرایندهای همگونی مشاهده شده، در هر پانزده گونه زبانی رخ می‌دهد؟ طی این تحقیق و در این پانزده گونه زبانی، پنج فرایند همگونی میان همخوان‌ها مشاهده شد. تحلیل این فرایندها نشان می‌دهد که فرایند همگونی همخوان با همخوان در خوشه‌های همخوانی /-st/ و /-nb/ بسیار متداول است و از میان این دو خوشه همخوانی نیز همگونی در خوشه همخوانی /-st/ رایج‌تر از همگونی در خوشه /-nb/ است. در پاسخ به پرسش دوم این نتیجه حاصل شد که سه مورد از این پنج فرایند مشاهده شده، در هر پانزده گونه زبانی مورد بررسی مشاهده می‌شود و دو مورد از آن، تنها در گونه زاخرویه‌ای رخ می‌دهد. رفتار متفاوت گونه زاخرویه‌ای نسبت به سایر گونه‌ها را می‌توان در این مسأله دانست که این گونه زبانی در روستایی دورافتاده تکلم می‌شود، به گونه‌ای که گویشوران آن ارتباط زیادی با گویشوران سایر گونه‌ها ندارند و به همین دلیل ویژگی‌های خاص خود را حفظ کرده است. در این گونه‌های زبانی در همگونی همخوان‌ها در توالی دو همخوانی همواره همخوان رساتر غالب است. در مقایسه انسدادی‌ها و خیشومی‌ها، خیشومی‌ها رساتر و غالب هستند؛ به عنوان مثال همخوان [n] در توالی /-nb/ در پانزده گونه زبانی (۱-۵)، همخوان [m] در صورت اشتقاقی /-mb/ در گونه زاخرویه‌ای (۲-۵) و همخوان [n] در توالی /-nd/ در گونه زاخرویه‌ای (۴-۵) و در مقایسه انسدادی‌ها و سایشی‌ها، سایشی‌ها رساتر و غالب هستند؛ به عنوان مثال همخوان [s] در توالی /-st/ در پانزده گونه زبانی (۳-۵)، همخوان [z] در توالی /-zd/ در ۱۵ گونه زبانی (۵-۵). در گونه‌های زبانی بررسی شده، همگونی در همخوان‌های هم‌محل تولید منجر به همگونی کامل و بروز تشدید عارضی می‌شود. ۱. تبدیل صورت اشتقاقی [-mb] به [-mm] در گونه زاخرویه‌ای (۲-۵)، ۲. تبدیل توالی /-st/ به [-ss] در پانزده گونه زبانی (۳-۵)، ۳. تبدیل توالی /-nd/ به [-nm] در گونه زاخرویه‌ای (۴-۵). ۴. تبدیل /d/ به [z] در خوشه همخوانی /-zd/ در پانزده گونه زبانی (۵-۵). علاوه بر این‌ها در پانزده گونه زبانی مورد بحث، همگونی در مشخصه نحوه تولید پر بسامدتر از همگونی در سایر مشخصه‌ها همانند محل تولید و اک‌داری است، همگونی پیش‌رو متداول‌تر از همگونی پس‌رو بوده و همگونی ناقص نیز رایج‌تر از همگونی کامل است.

کتابنامه

کتابها

- بهروزی، علی‌نقی، (۱۳۴۸)، واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کازرونی، شیراز: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر فارس.
- سلامی، عبدالتبی، (۱۳۸۳)، گنجینه گویش شناسی فارس، دفتر اول، تهران: نشر آثار(فرهنگستان زبان و ادب فارسی).
- _____، (۱۳۸۴)، گنجینه گویش شناسی فارس، دفتر دوم. تهران: نشر آثار(فرهنگستان زبان و ادب فارسی).
- _____، (۱۳۸۵)، گنجینه گویش شناسی فارس، دفتر سوم. تهران: نشر آثار(فرهنگستان زبان و ادب فارسی).
- _____، (۱۳۸۶)، گنجینه گویش شناسی فارس، دفتر چهارم. تهران: نشر آثار(فرهنگستان زبان و ادب فارسی).
- _____، (۱۳۸۸)، گنجینه گویش شناسی فارس، دفتر پنجم. تهران: نشر آثار(فرهنگستان زبان و ادب فارسی).
- کامبوزیا، عالیه ک. ز، (۱۳۸۵)، واج‌شناسی: رویکردهای قاعده بنیاد، تهران: سمت.
- مشکوة‌الدینی، مهدی، (۱۳۷۴)، ساخت آوایی زبان، چاپ سوم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

پایان‌نامه‌ها

- بروغنی، فاطمه، (۱۳۸۳)، بررسی واج‌شناختی گویش سبزواری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- تتورساز، راضیه، (۱۳۷۶)، بررسی همگونی و حذف واجی در زبان فارسی در چهارچوب نظریه واج‌شناسی زایشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- شریفی؛ گوهر، (۱۳۸۷)، بررسی نظام آوایی گونه اقلید در چهارچوب واج‌شناسی زایشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- همتی، ابوزر، (۱۳۷۰)، فرهنگ تطبیقی واژگان گویش لری ممسنی با واژگان فارسی نو و میانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه شیراز.

مقالات

کامبوزیا، عالیه ک. ز. (۱۳۸۱ الف)، «نمونه‌ای از همگونی در چند گویش ایرانی»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران. رضائی باغبیدی؛ حسن. چاپ اول، تهران: آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ صص ۴۸۵-۴۸۹.

_____، (۱۳۸۱ ب)، «فرایندهای واجی مشترک در گویش‌های استان کرمان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ش ۹، ۱۲، صص ۱۱۱-۱۳۱.

Catford, J.C. (2001). *A Practical Introduction to Phonetics*. 2nd edition, New York: Oxford University Press.

Crystal, David. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 6th edition, Oxford:Blackwell.

Harris, J. & Lindsey, G. (1995), "The Elements of Phonological Representation", in Hayes, B., (2009). *Introduction Phonology*. London: Wiley- Blackwell.

Malmkjar, Kirsten. (2002). *The Linguistics Encyclopedia*. 2nd ed, New York:Routledge

Odden, David.(2005). *Introducing Phonology*. New York: Cambridge University Press.

Roach, Peter (2000). *English phonetics and phonology, A practical course*, 3rded. Cambridge University press.